

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۳۰ مارچ ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۴۹

مُجدنامه

- ۱۵ -

آمدن مصطفی قلی به خیمه سهراب خان

رسانید خود را به مأوای اوی
نشست و سلاح از میان کرد باز
چو کرمانیان در خروش آمدند
ز جا جست و بنشست بر جای خواب
که آهسته رو، پیش سهراب خان
فَقُلْ هَذِهِ الْمَقْعَدُ آيِنَ الذِّكْرِ
به موج اندر آورد، غرقاب را
در آویخت با یار سیمین عذار
به صد شوق تنبان ز پایش کشید

یکی شب به صد حيله و جست و جوی
به آئین مهمانی و نوش و ناز
دران جیفه کرمان به جوش آمدند
ز خارش نماندش، چو آرام و تاب
به گوش یکی گفت: از چاکران
نهانی به گوشش، فرو آر سر
بشد خادم و گفت، سهراب را
در آمد بدان خیمه تنگ و تار
لبش بوسه داد و زبانش مکید

به زانو در آمد جوانِ دلیر
بر آورد سه‌راب، جنگی عمود
چو شد خرزِه گاو سر پر ز باد
نخستین، که افشرد بر وی، ستون
تو گفستی مناری به چاهی فتاد
ازان کیر پُرباد و آن کونِ زفت
سُرین بر کشید و سر افگند زیر
چنو^۱ در وی افگند، لختی بسود
سرش را بران کوه سیمین نهاد
برون جست باد و فرو رخت، خون
سرِ اشتهری بر گیاهی فتاد
شپاشاپ^۳ تا نیم فرسنگ رفت

* * *

^۱ - "چنو" مخفف "چون او" ست
^۲ - "زفت" (به فتح اول) در معنای "فربه" و "کته" است
^۳ - "شپاشاپ": اسم صوت، صدای برخورد متداوم دو چیز به هم